

پرسش پاسخ با آقای باب پریچر

آنچه در پی می آید متن گردآوری شده ای از بهترین مصاحبه های رسانه ای "باب پریچر" می باشد. در این پرسش و پاسخ باب پیرامون اعتبار و کاربرد های عملی اصول امواج سخن گفته و بوم شناسی اجتماعی - علم پیشگویی جمعی - را توصیف می کند. این نوشتار شروع خوبی برای شناخت بازارهاست و همچنین بهترین مقدمه بر تئوری امواج الیوت است.

حقیقت موج چیست ؟

اولین و مهمترین حقیقت موج، توصیف جزء به جزء چگونگی رفتار بازار است. در حال حاضر احتمالاً آنچه این جمله بیانگر آن نیست، بیش از آن چیز است که در آن نهفته است. بعنوان مثال توصیف جزئیات رفتار بازار اشاره ای بر اتفاقات بیرون از بازار نظیر مسایل اقتصادی، سیاست یا گرایشات اجتماعی مطالعه دقیقی از رفتارهای جمعی است که انسانها در پهنه مفهوم، ندارد. این سوداگری از خود بروز می دهند.

الیوت چه چیز ویژه ای کشف کرد ؟

مهمترین کشف الیوت این بود که الگوهای که در بازار کالا ایجاد می شوند، در تمامی درجات روند اتفاق می افتند. الگوهای بزرگ از اجزائی تشکیل شده اند که آنها نیز به نوبه خود ترکیبی از الگوهای کوچکترند. با ترکیب الگوهای مشابه در اندازه کوچک، الگوهای با اندازه بزرگتر ایجاد می شوند. الگوی بزرگ با چندین الگوی هم درجه ترکیب شده و الگویی به مراتب بزرگتر را تشکیل می دهد و به همین ترتیب. او [الیوت] بصورت مبسوط به شرح ساختار الگوها پرداخت. وی ۱۳ نوع از آنها را شناسایی کرد. در دوران اخیر که داده های قیمتی کالاهای عمومی از ۱۷۰۰ به بعد در دسترس است، الگوها به همان اندازه وجود دارند.

او چگونه روند را درجه بندی کرد ؟

او ساختار ویژه ای را با برجسب دلخواه درجه اصلی - اصطلاحی که از نظریه داو به عاریت گرفته شده است - شروع به نامگذاری کرد. درجه بزرگتر را "سیکل (cycle)" نامید و درجه بزرگتر بعدی را **سوپر سیکل**. او درجه های پایین تر را **میان** (intermediate) و **فرعی** (minor) نام نهاد و به همین ترتیب. بنابراین ما سبکی برای ارجاع دادن به درجه روندی که از آن سخن می گوئیم داریم.



بزرگترین درجه روندی که او از آن سخن گفته چه بود ؟

"سوپر سیکل بزرگ" که حدس می زد تاریخ آن به پیدایش آمریکا برمی گردد ، از آن پس داده های فراوان بازار کالا تایید کرد که او درست حدس می زد . اما باز هم آن بزرگترین درجه نیست چراکه هر موج ، جزئی از موج بزرگتر است .

شما یکبار از قانون امواج بعنوان اصل ترین فرم تحلیل تکنیکال یاد نمودید . چرا ؟

در طول صدسال ، سرمایه گزاران متوجه شدند که به نظر ، اتفاقات خارج از بازار آنچنان در پیشرفت بازار تاثیری ندارند . با علم به اینکه بازار پیوسته بصورت امواجی که از لحاظ فرم و نسبت با هم مرتبطند شکل می گیرد ، می توانیم علت این عدم ارتباط را دریابیم . بازار ، خود دارای حیات است . آن روانشناسی توده انسانهاست که ثبت می شود . تغییر در احساسات مردم بصورت تغییر قیمت در ابزار سنجشی که DJIA شناخته می شود ، نمود می یابد . قانون امواج ، فهرست راههایی است که اجتماع از حوض بدبینی به قله خوشبینی می رسد . توصیفی از گامهای انسانها بعنوان توده سرمایه گذار است که با تغییر گرایشات روانشناختی خود از "گاو" به "خرسی" پیش می روند . این توصیف بر حرکت هربازاری که رد پای انسانها در آن است منطبق است مگر اینکه موجودات مریخی با ذهن ناخودآگاه متفاوت در میان باشند ! از آنجاییکه مردم تغییر زیادی نمی کنند ، مسیری که آنها در گذر از نهایت بدبینی به اوج خوشبینی و برگشت آن طی می کنند قطع نظر از اخبار و اتفاقات بیرونی ، همواره یکسان است .

روش پایه چیست؟

در نهایت سادگی ، الیوت درک کرد که حرکت در مسیر یک روند بزرگتر به پنج زیر موج تقسیم می شود . همچنین حرکت در خلاف روند ، از الگوی سه زیر موج یا در بعضی حرکات از چند سه موجی تشکیل می یابد . در بازارهای صعودی -گاو- بخشهای فرعی از پنج موج بالارونده با توالی بالا-پایین-بالا-پایین و بالا شکل می گیرد . بازارهای نزولی گرایش به شکل گیری بصورت سه موج با توالی پایین-بالا و پایین دارند . هریک از این حرکات دارای شکل و هویت هستند . مادامیکه شما شکلهای درحال اتفاق را تشخیص دهید ، نشانه ای از آنچه که ممکن است در مرحله بعدی رخ دهد در دست دارید .

ولی فرم پنج موجی به سمت پایین هم رخ می دهد ...

البته ، اما فقط بعنوان بخشی از الگوی سه موجی بزرگتر . ماهیت اصول امواج این است که حرکت در مسیر روند بزرگتر ، ساختار پنج موجی دارد در حالیکه حرکتهای خلاف روند بزرگ ساختار سه موجی دارند . از این روست که شما می توانید بگویید روند اصلی چیست و در نتیجه سرمایه گذاری کنید .



شما فقط براساس توصیف الیوت پاسخ دهید . آیا این بدان معنی است که شما بدون اطلاع از آنچه باعث ایجاد الگو می شود عمل کنید ؟

برعکس ، من دقیقا می دانم چه چیز الگوها را شکل می دهد : طبیعت انسان که ناشی از تمایلات اجتماعی اوست . هنگامی که شما سوال می کنید کدام نیروی بیرونی الگوها را شکل می دهد ، در واقع پرسش نادرستی مطرح می کنید ، پس شما در مسیر اشتباهی قرار دارید . توصیف الیوت از رفتار بازار ، شما را به نتیجه گیری در مورد علت و معلول اتفاقات اجتماعی وادار می کند . برخلاف تصور عامه همه عواملی که به نظر موثر می آیند چنین نیستند مانند سخنرانی های سیاسی یا شاخصهای اقتصادی بلکه آنها بسادگی نتایجی از الگوهای روانشناسی توده مردم هستند .

آیا می توانید در نهایت سادگی توضیح دهید ، چگونه احساسات ، منجر به رفتارها می شوند ؟

احساس ، سبب واکنش می شود . احساس اجتماعی مثبت فزاینده ، باعث می شود مردم به خرید کالا ها روی آورده و تجارت را توسعه دهند ، لباسهای رنگارنگ به تن کنند و به موسیقی شاد پاپ گوش دهند . احساسات اجتماعی فزاینده منفی سبب می شوند مردم دست به فروش کالاها بزنند ، تجارت را محدود کنند ، لباسهای تیره بپوشند و به موسیقی غم انگیز پاپ گوش فرا دهند . پس احساس مقدم بر واکنشها است .

آیا روش الیوت ، سیستمی مکانیکی است ؟

در واقع خیر . آنچه ما در اینجا با آن سروکار داریم رفتار مردم است . اگر ابزاری که شما با آن کار می کنید ، چیزی غیر از رفتار مردم را می سنجد ، از آنچه که در واقع اتفاق می افتد بدور خواهید ماند . یکی از بزرگترین ناتوانیها در تعامل با بازارهای مالی این است که ، تصور شود بازار واکنشهای مکانیکی به آنچه در بیرون از آن اتفاق می افتد نشان می دهد ، نظیر این تصور که بازار به سیاست فدرال یا موازنه تجاری و یا تصمیمات سیاسی پاسخ می دهد . عده ای نیز تلاش کردند آن را تا حد مجموعی از امواج سینوسی پررود یک کاهش دهند ، اما همیشه دریافتند که عملی نیست . زیرا ماهیت بازار ماشین تکرار زمانی نیست . از نقطه نظر تئوری ، رفتار بازار ، با قانون ریاضی مقید است ، اما این قانون با آنهایی که در علوم فیزیکی وجود دارند یکسان نیست . از دیدگاه کاربرد عملی ، اصل امواج یک سیستم پویا را دنبال می کند ، که اجازه تغییرات را در فرم خود می دهد ، درحقیقت بینهایت تغییر ، اما محدود به فرمی خاص . درحالیکه سیستمی در قید و بند اکید اعداد ، هرگز کارآمد نیست .

آیا بینهایت تغییر ، مستلزم این نیست که هر چیزی قابل پذیرش است ؟

به هیچ وجه . درختان به بینهایتی تغییر می کنند ، اما همه آنها شبیه درختند ، نیستند ؟ و شما می توانید



آنها را از ابرها تشخیص دهید در حالیکه ابرها نیز بی نهایت دچار تغییر می شوند و همچنان است در مورد ساختمانها . در حقیقت با وجود اینکه تغییرات بی نهایت هستند ، اما همه آنها مشابهند . این در مورد بازار نیز صادق است .

آیا دانستن الیوت سود را تضمین می کند ؟

تنها شرکت کنندگان بسیار آموزش دیده و با تجربه در بازار قادرند برخلاف سرشت طبیعی خود رفتار کنند . من هنوز کسی را که فقط با برنامه کاملاً منطقی و پایه ریزی شده بر اساس احتمالات مستدل و بدون دخالت دادن طمع ، ترس ، تصورات فرعی و یا قضاوت‌های بی مورد خود سرمایه گذار یا معامله گری کند ندیده ام . این ، نیمه احساساتی انسان و عملاً تعلقات اجتماعی اوست که وادارش می کند همانند اجتماعش فکر کند و آنگاه که چنین کرد در بازارها پول خود را از دست می دهد . با بکاربردن الیوت حداقل شما اصولی را در دست دارید که امکان سود را فراهم می کند .

بیشتر مردم علاقمندند بدانند که آن چگونه عمل می کند تا اینکه بدانند چرا عمل می کند . آیا چیزی هست که مردم باید بدانند تا برایشان کارگر بیافتد ؟

کلید الگوهای امواج الیوت این است که بازار به ازای سه گام به جلو ، دو گام برگشت انجام می دهد . اگر شما از دو گامی که برگشتی است نهراسید و اگر شما بعد از سه گام به جلو طمع نکنید ، به اندازه سالهای نوری از توده مردم پیش هستید . پس از این مطلب می خواهم اضافه کنم تنها یک چیز ساده است که بیاد داشته باشیم ، **اصول امواج بر قیمت‌های بازار حکومت می کند** ، درحالیکه یکی برای پیشگویی موج بعدی است هنوز آن دیگری سود بردن از تجربه است . هیچ چیز جایگزین تجربه نیست ، بطوریکه شما می توانید آنچه را که احساس می کنید و یا زمانیکه آن را احساس می کنید با نگرش احترام به رفتار بازار فراگیرید .

" جک فراست " اصول امواج را بعنوان چیزی که باید مشاهده شود تا باور گردد توصیف کرده است . منظور وی از این سخن چیست ؟

اصول کمی پیچیده اند تا بتوان با کلمات آنها را بیان کرد . با قانون امواج شما با پدیده ای سروکار دارید که خود را بصورت بصری آشکار می کند . شما سعی کنید مفهوم و تغییرات درخت را با جزئیات به شخصی که هرگز آن را ندیده است توضیح دهید . خواهید دید که چه کار مشکلی است . گفتن اینکه " نگاه کن یکی وجود دارد " بسیار آسانتر است . ذهن انسان در تشخیص بصری یک الگو بسیار قدرتمند است . اگر یک رایانه برای تشخیص شکل در فضا برنامه ریزی شود ، آموزش تفاوت بین ابر و پرند یا هواپیما به آن کار بسیار مشکلی خواهد بود . اگر بفرض شما یکبار این برنامه ریزی را انجام دادید ، اگر ناگهان یک بالون در فضا ظاهر شود ، رایانه را با مشکل مواجه خواهد کرد . مغز انسان بگونه ای دیگر عمل می کند و به هر حال



در تشخیص الگو بشدت قدرتمند است . اگر شما الگو راترسیم کنید به سرعت قابل فهم خواهد بود . سپس وقتی شما تصویر بازار واقعي را با مدلها مقایسه کنید ، به سهولت درستي آن را خواهید پذیرفت . این سطح ادراکي است که برخلاف سطح غیر ادراکي بهترین شیوه عرضه است .

آیا شما بواقع قادر به آموزش آن هستید ؟

مطمئنا . بعنوان مثال ، تصویر بهترین شیوه است . بسیاری از مردم از این راه نحوه بکارگیری را یاد گرفته اند . بعضي در ابتدا با مشکل مواجه مي شوند اما بعد اظهار مي کنند : " یکبار که ویدئوي شما را دیدم کاملا متوجه شدم " .

توانايي هاي کليدي اصول امواج چیستند ؟

" فراست " همیشه مایل بود بگوید : " مشخصه بارز آن ، عمومیت و دقت آن است " . عمومیت آن در اغلب مواقع دید خوبی از بازار ارائه مي دهد و دقت آن در نشان دادن تغییرات روند ، در اغلب موارد غیر قابل باور است .

علت عملکرد خوب قانون امواج چیست ؟

زیرا صددرصد تکنیکال است . هیچ نگرشي از منظر اقتصادي و سیاسي مورد لزوم نیست .

مهمترین ضعفهای آن چه چیز است ؟

یک نقطه ضعف اصلي وجود دارد ، که مسبب تمام مسایل هست . یازده نوع مختلف از الگوهاي برگشتي وجود دارند . هنگامی که تصحیح شروع می شود ، بیان اینکه کدام الگوی تصحیح در شرف وقوع است غیر ممکن است ، بنابراین شما نمی دانید که این تصحیح به چه شکلي پیش خواهد رفت . بنابراین بهترین کاری که می توانید انجام دهید ، این است که تعدادي از ملاحظات الیوت را که راهنما نامیده می شوند بکار بگیرید تا تخمین درستي از آنچه در حال وقوع است داشته باشید .

مساله دیگر این است که تصحیح می تواند بصورت آنچه که الیوت آن را " دوتایی " یا " سه تایی " نامید ، اتفاق افتد . یعنی چند مرتبه یک تصحیح تکرار شود . تصحیحهای سه تایی (triple) بزرگترین آرایشی هستند که اتفاق می افتند ، پس در وقوع برگشتها حدي وجود دارد . [بیشتر از تصحیح سه تایی اتفاق نمی افتد * مترجم *]

این تکرار می تواند نا امید کننده باشد ، زیرا از نظر زمانی می تواند ده برابر بطول انجامد . بعنوان مثال ما یک تصحیح سایه ۱۶ ساله در شاخص داوجونز از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۲ شاهد بودیم . آقای "ای.جی.فراست" و من گمان می کردیم که این تصحیح در سال ۱۹۷۴ به اتمام رسیده و بازار آماده روند صعودي دیگری است .



نقطه اطمینان ما این بود که بسیاری از کالاها از آن نقطه صعود کردند اما Dow به مدت هشت سال دیگر با تکرار تصحیح بصورت سایید درآمد و باعث ناامیدی گردید ، تا بالاخره حرکت صعودی خود را در دوازدهم آگوست سال ۱۹۸۲ شروع کرد .

این شبیه به بازی شطرنج است . چند امکان وقوع وجود دارند و در نتیجه احتمال موفقیت در یک چند راهه متغیر است .

شطرنج مقایسه خوبی را فراهم می کند . بازار قادر است هر آنچه دوست دارد انجام دهد ، ولی با این شرط که همیشه آنچه انجام می دهد در ساختار امواج الیوت است . همچنانکه در شطرنج حریف شما می تواند مهره ها را به هر خانه که دوست داشته باشد حرکت دهد ، منتها باید از قوانین بازی شطرنج تبعیت نماید . در سویی دیگر میز شطرنج نیز ، شما تفکر بسیار سختی برای انجام حرکت دارید ، اگر چه می دانید که مهره ها باید فقط براساس قوانین شطرنج جابجا شوند .

آیا موقعیتهایی هستند که در آنها قانون امواج درست از آب در نمی آید ؟

خیر ، آن همیشه صادق است . اما مطمئنا باید به یک مساله اشاره کنم ، اینکه گفته می شود " بازار از قانون امواج پیروی می کند " یک چیز است و پیش بینی آینده بازار براساس این آگاهی کاملا چیز دیگری است . این همیشه موضوع احتمالات است . هنگامی که شما عملا تجربه کسب نمودید ، هنگامی که قوانین و راهنماها را درک نمودید ، بیشتر شبیه این است که در جای شرلوک هلمز قرار گرفته اید . از این پس پیامدهای بسیاری امکان وقوع می یابند ، اما راهنماها شما را وادار به اندیشیدن در مسیری معین می نمایند . در نهایت به نقطه ای می رسید که شواهد برای نتیجه گیری قطعی ، فائق می آید .

آیا تاکنون با موردی مواجه شده اید که منتظر نتیجه ای با احتمال وقوع بسیار بالا ، فرض کنید ۹۰ درصد باشید ، اما بازار برخلاف انتظار شما حرکت کند ؟ در این زمان چکار انجام داده اید ؟

بله البته این اتفاق می افتد . اما شما نباید تا آن اندازه زیاد در اشتباه بمانید ، قبل از اینکه سعی در تشخیص موقعیت دارید . یکی از شگفتی های این روش این است که قیمت به شما اخطار می دهد . در روشهای دیگر ممکن است قبل از اینکه شما دلیلی بر تغییر عقیده خود بیابید ، قیمت مسیر زیادی پیش رفته باشد . مهم نیست اگر گاهی تشخیص الگوها دشوار می نماید ، همیشه بصورت رضایت بخشی به شکل الگوهای کلاسیک برگشت خواهد نمود .

آیا می توانید توضیح دهید ، علم به ساختار امواج چگونه در معاملات دخیل می شوند ؟

بعنوان نمونه ، انتهای موج چهارم که یک برگشت است نمی تواند با رالی موج اول تداخل نماید . اگر چنین شد ، دیگر آن موج چهارم نیست . در این صورت هنوز موج چهارم شروع نشده است و این موج سوم است که درحال تشکیل زیر موجهاست . دانستن این مفهوم شما را در رویارویی با امواج مخالف ، از بسیاری از



مشکلات بدور خواهد داشت . مفهوم پایه ای دیگر این است که موج سوم هرگز کوتاهترین موج نیست ، بلکه معمولا بزرگترین است . موج سوم مرحله ای است که می توان تشخیص داد بسیاری از مردم در بازار شرکت دارند .

" امواج خطا نمی کنند ، اما ممکن است تفسیر من نادرست باشد " .

آر . ان الیوت (در نامه ای به چارلز کولینس) در ۱۹ فوریه ۱۹۳۵

اما همیشه یک الگوی صحیح وجود دارد و مساله تشخیص آن است . چرا نسبت موفقیت به شکست با دقت های بالای ۴۰ ، ۵۰ ، ۶۰ و با حتی ۸۰ درصد وجود ندارند ؟

اولا چون الیوت تشخیص داد که بازار همانند شطرنج از قوانینی تبعیت می کند ، دلیل بر این نیست که شما می توانید حرکت بعدی بازار را پیش گویی کنید . تمام آنچه شما می توانید ارائه دهید احتمالات است . اما مشکلات روانشناسی به همان اندازه موانع بشمار می آیند . "همیلتون بولتون" جایی گفته است " **هنگام استفاده از الیوت مشکلترین چیز برای یادگرفتن ، باور کردن آنچه که می دیده ، بوده است** " . علی رغم تمام دانسته هایم ، من نیز بسیار بیش از یکبار گرفتار این مشکل شده ام . این یک حقیقت است که حتی بهترین تحلیل نتیجه بخش با احتمال بسیار بالا نیز در جایی که احساسات روانشناسی دخالت دارند ، شک برانگیز است . همچنانکه "فراست" نصیحت کرده است که " **همیشه بازار انتخاب های متنوع خود را باز می گذارد**" بنابراین هنگامی که شما ضعف انسانی را با بازی احتمالات درهم آمیزید ، نتیجه آن لغزش های فراوان در قضاوت خواهد بود .

با همه اینها باید تاکید کنم ، نسبت موفقیت در الیوت در مقابل سایر روشها هنوز بهتر است و این تنها پایه عقلانی برای قضاوت در مورد ارزش آن است . بعلاوه ، اهمیت فوق العاده قانون امواج در این اندازه نیست که درصد بالایی از توقعات را در بازار فراهم کند بلکه همیشه یک بینش بصری خوب به سرمایه گذار می دهد .

آیا ممکن است که در این سیستم معامله گر منحصرأ هر الگویی را که بصورت مطلوب در گذشته شمارش کرده است ، همه چیز را براساس آن شمارش در نظر گرفته و بدون در نظر گرفتن اتفاقات آینده عمل نماید ؟

پاسخ منفی است به دو دلیل .

اولا، اگر این صحیح باشد ، نمی توان نتیجه ثبت شده ای از موفقیت های قانون امواج در طول دهه های فراوان داشت . سیستم هایی براساس اعداد در برخورد با بازار وجود دارند که یکی بر این باور بنا نهاده شده است که شبیه تعامل بر اساس حرکت تصادفی است . نتایج اینها بی ارزش هستند ، اگر هم بتوانند نتیجه کسب کنند . همچنانکه "پاول مونتگومری" معتقد است " **بهترین امتحان برای یک تئوری این است که آیا آن تئوری می تواند پیشگویی کند؟** "



درثانی ، الگوهای غیر الیوتی بسیاری وجود دارند ، که اگر بازار یک حرکت تصادفی بود می توانست بوجود بیاورد ، اما هرگز این کار صورت نگرفته است . من هرگز ندیده ام که بازار در فرمی غیر از الگوهای الیوت پیش برود .

آیا شما بر این باورید که اصول امواج برای دستیابی به فرم تحلیل بصری است ؟

دو شخص می توانند به یک چارت نگاه کنند و بسیار متفاوت از هم موجها را شمارش کنند . پیگیری کنندگان بازاری وجود دارند که اعتقاد دارند بکاربردن تئوری امواج بسیار سلیقه ای است .

من همیشه می پرسم " با چه چیز مقایسه می کنیم؟ " از تحلیلگران مرسوم که به یک خبر فاندامنتالی ، یک حادثه ، جنگ ، میزان بهره ، نسبت P/E ، گزارش GDP ، سیاست اقتصادی رییس جمهور ، سیاست پولی فدرال و بقیه را شما نام ببرید ، نگاه می کنند و بی شمار نتیجه گیریهای متضاد انجام می دهند ، از این دسته تحلیلگران سلیقه ای تر نداریم . آنها حتی به خود زحمت مطالعه داده ها را هم نمی دهند . اصول امواج ، پایه و اساس ممتازی برای تخمین احتمالات ، در مورد حرکت آینده بازار است . احتمالات در ذات خود با امور قطعی متفاوتند . بعضی از مردم این بخش از تحلیل را به اشتباه ، سلیقه ای تفسیر می کنند . اما تمام احتمالات می توانند بطور هدفمند (نه سلیقه ای) و با توجه به قوانین و راهنماهای شکل گیری امواج در الیوت قرارگیرند . ما درحال توسعه نرم افزاری هستیم که تحلیل موج انجام دهد ، و این به آن دلیل قابل اجراست که الیوت بندی عینی امکان دارد . بسیاری از تحلیلگران در اکثر مواقع سلیقه ای عمل می کنند و بقیه حداقل در بعضی زمانها اینگونه رفتار می کنند . اما این مشکل آنان است و البته گاهی مشکل من نیز هست ، اما نه مشکل اصول امواج .

آیا معامله گران کوتاه مدت می توانند از اصول امواج استفاده کنند ؟ یا آن برای روشهای معامله بلند مدت مناسب است ؟

آن فراکتال است ، بدین معنی که الگوهای مشابه در تمام درجات روند ظاهر می شوند .

نکته مهم درباره انسانها که شرکت کنندگان در بازار هنگام معامله باید از آن آگاه باشند چیست ؟

اغلب سرمایه گذاران اطلاعات وسیع و تجربه در زمینه سرمایه گذاری ندارند ، بنابراین برای یافتن مسیر به دیگران نگاه می کنند . آنها به منحنی نگاه می کنند ، می بینند که قیمت به کدام سمت پیش می رود ، روزنامه ها را می خوانند ، به تلویزیونهای مالی نگاه می کنند ، در مهمانیها با همسایگان خود گفتگو می کنند ، بدون اینکه تحقیقات ، آموخته ها و دانش خود را قاعده مند کنند . آنها اطلاعات خود را از دیگران گرفته یا آن را از دست می دهند . اصول امواج توسعه می یابند ، زیرا انعکاسی از الگوهای تفکر ناخودآگاه هستند



، نه استعدادهاي عقلاني انسانها . انسانها هميشه هنگامی که بازار صعود مي کند ، تصورات روحي از دنياي مجلل براي خود مي سازند و هنگامی که نزول مي کند به نابودي مي انديشند . یکبار که شما توانستيد امواج اليوت را فرا بگيريد ، خواهيد توانست احتمالات را براي هر بازاری در اغلب زمانها و معمولا هرگاه که نیاز افتد پيش بيني کنيد . همچنين شما قادر خواهيد بود تغييرات اجتماعي وسيع را پيش بيني کنيد . اگر نشانه ها را بشناسيد خواهيد توانست از آنها در جهت منافع خود استفاده کنيد .

اخيرا اشخاص قادرند از خانه خود و با رايانه هاي شخصي سرمايه گذاري يا معامله نمايند . آیا تجارت الکترونیک ماهیت بازارها يا مکان آنها را دگرگون کرده است ؟ نظر شما در باره اين توسعه چیست ؟

قریب به ۳۰ سال است که من ساعتها به چارتهها نگاه مي کنم ، تا آنجا که مي توانم بگويم تجارت الکترونیک ذره اي هم رفتار بازارها را دگرگون نکرده است . معامله الکترونیکي چيز خوبي است ، زيرا واسطه را از میان برمي دارد ، کسي که يا درستکار بود ولي غير لازم و يا اينکه هنرپيشه اي دزد . معامله الکترونیکي مي تواند چيز بدی نیز باشد ، زيرا اين امکان فراهم شده تا جماعت احساساتي با یک کلیک پس اندازههاي خود را به شتاب هرچه تمامتر وارد کارزار کنند . با بررسی مجدد ، من حدس مي زنم بهتر است اين اتفاق با سرعت روي دهد ، در اين صورت درد زياد طول نخواهد کشيد و شما زودتر پادخواهيد گرفت .

آيا شما اعتقاد داريد که معامله الکترونیکي ميدان بازي سرمايه گذاران شخصي را با بنگاههاي سوداگر هم سطح کرده است ؟

مسئله بله ، اکنون ما معامله گران شخصي ، دسترسي به اطلاعات درست و گزارشهاي فوري داريم . آیا اين شگفت انگيز نيست ؟ مطمئنا هست ، در مقايسه با روزگار گذشته ، منظورم سالهاي بسيار متمادی قبل از سال ۲۰۰۰ است .

در طول مدت حرفه خود ، شما تئوري امواج اليوت را توسعه داده و بر آن افزوده ايد . آخرين آنها در زمينه بوم شناسي اجتماعي است . آیا ممکن است بيشتري در باره زيرساخت نظري بوم شناسي اجتماعي توضيح دهيد ؟

از آنجايکه امواج درحال شکل گيري هستند ، اين امر بايد اشاره به اين داشته باشد که اتفاقات بيروني فشاري بر بازار ندارند ، زيرا اگر چنين بود آنها مي بايست الگوها را به امواج تحميل مي کردند . بنا بر اين امواج بايد بواسطه مکانيسمي غير از اتفاقات بيروني شکل بگيرند ، که اين عامل در ذهن انسانها ست . بهترين توصيفي که دارم اين است که امواج زاييده ذهن ناخودآگاهند ، که همديگر را وادار به تقليد از هم مي کنند . زيرا انگيزش در یک توده به سراسر توده سرايت مي کند . اتفاقات اجتماعي در گرو روانشناسي



اجتماعي است ، اما از آنجاکه امواج منشاء دروني دارند ارتباطي که بين آنها متصور است اين است که واکنشهاي اجتماعي زاييده امواج روانشناختي اجتماعي است نه چيزي ديگر . اين حقيقت که اتفاقات قابل تامل اجتماعي پيرو امواج بازار هستند نه مقدم بر آنها، در باور من بر فرضيه روانشناختي اجتماع صحه مي گذارد . تنها توصيف ديگر براي اين ترتيب وقوع ، تئوري discounting (نزول) است که هم قابل احترام و هم نا معقول است . مردم از آينده اي که هنوز اتفاق نيافته است خير ندارند . تنها توصيف ملموس اين است که احساسات مثبت و منفي مشترک آنها ماهيت واکنشهاي سلسله دار اجتماعي را رقم مي زنند . هنگاميکه شما به رسانه مالي عمومي گوش فرا مي دهيد يا آن را مطالعه مي کنيد ، از منظر روانشناختي اجتماعي به همانگونه عمل مي کنيد . آنچه را که آن مي گويد نخوانيد ، بلکه ببينيد آن چه معني مي دهد .

منبع : www.elliottwave.com

مترجم : جناب amirhzf

این PDF از سایت اف ایکس پارس تهیه شده است و لینک آن در ذیل آمده است ...

<http://forums.fxpars.com/showthread.php?t=4656>

لینک ترجمه :

